

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

انگیزه در حقوق جزا

پژوهشگر: یاسر شاکری

sssf٢٠٠@gmail.com

فهرست مطالب

۲	مقدمه
۵	تعریف انگیزه
۵	انگیزه در جرایم عمدی
۶	انگیزه و تاثیر آن در مسئولیت کیفری
۶	انگیزه و عنصر معنوی
۶	رابطه انگیزه با جرایم مطلق و جرایم مقید
۸	انگیزه امری نسبی است
۹	انگیزه و سوء نیت یا قصد مجرمانه
۱۱	تفاوت های انگیزه و سوء نیت
۱۴	شباهت های انگیزه و سوء نیت
۱۵	انگیزه در جرایم مختلف
۱۶	انگیزه وقانونگذار ایران
۱۸	انگیزه ونظرات حقوقدانان ایرانی
۱۹	انگیزه وشرکت در جرم
۱۹	انگیزه ومعاونت در جرم
۱۹	موارد استثنا شده از اصل عدم تاثیر انگیزه
۲۶	نتیجه
۲۸	منابع

مقدمه

یکی از مفاهیمی که در حقوق جزا مورد بحث و بررسی قرار می گیرد، انگیزه است، البته انگیزه در علوم روان شناسی و جرم شناسی هم مورد مطالعه قرار گرفته است، و به عبارت است از؛ تمایل و شوق برای ارتکاب جرم در مجرم؛ به نحوی که مجرم برای رسیدن به آن تصمیم به ارتکاب جرم می گیرد. در حقوق جزا اصل بر این است که انگیزه در تحقق جرم و تعیین نوع میزان مجازات هیچ تاثیری ندارد و این به جهت دلایلی چون حفظ مصلحت اجتماع و تقدم آن بر منافع فردی است.

در رابطه با سو نیت و انگیزه دو طرز تفکر ارائه شده است:

۱- دانشمندان مکتب کلاسیک، معتقدند که انگیزه نباید تاثیری در زوال مسئولیت داشته باشد و آنان عقیده دارند آنچه در تحقق جرم واجد اهمیت است همان عمد و اراده مجرمانه است. و در واقع در تعیین مسئولیت بیشتر به عمل ارتكابی توجه دارند تا به مرتکب.

۲- طرفداران مکتب تحقیقی معتقدند آن چه برای جامعه و نظم آن خطر دارد همان شخصیت مجرم است نه عمل ارتكابی، و چون انگیزه یکی از عوامل تعیین کننده شخصیت است، لذا منطقی است که در تحقق جرم از آن چشم پوشید.

طبق اصل کلی هر چند انگیزه در تحقق جرم تاثیری ندارد، اما در مواردی با آنکه ارکان سه گانه جرم محقق است ولی انگیزه باعث می گردد که وصف مجرمانه از عمل گرفته

شود و یا به عملی وصف مجرمانه داده شود. در شرع انور و قانون موضوعه در باب علل موجهه جرم، موارد عدیده ای دیده می شود.

مقنن ایران نیز با بهره گیری از دو نظام فکری اسلام و اندیشه های کیفری غرب، انگیزه را در مواردی در تحقق جرم و میزان مجازات موثر تلقی نموده است.

مسئله قابل توجه آن است که عمد را نباید با انگیزه و غرض اشتباه نمود. انگیزه عبارت است از کوشش درونی و میل پنهانی که انسان را به سوی عمل خاصی هدایت می نماید و بنابراین همیشه مقدم بر اراده است.

قصد مجرمانه حاکی از اراده ارتکاب در فعل یا ترک فعل و همین طور اراده در کسب نتیجه زائیده ذهن قانون گذار است بنابراین قصد مجرمانه (اعم از عام و خاص) را باید در قانون جزا جستجو کرد و لذا در هر جرمی، مفهومی واحد یا ثابت دارد. مثلاً سوء نیت عام در کلیه قتل های عمدی از هاق نفس است. ولی انگیزه یا داعی، احساس یا نفع یا دفع ضرری است که بزهکار را به طرف ارتکاب جرم می کشاند. انگیزه زائیده ذهن مجرم است. پس انگیزه را باید درون مجرم جستجو کرد و اغلب به صورت خودآگاه می باشد.

هیچ انسان عاقلی بدون هدف خاص و بدون انگیزه و غرض معین، به ارتکاب هیچ عملی، خاصه ارتکاب جرم مبادرت نمی نماید. انسان در ارتکاب جرم انگیزه خاص و مشخصی دارد. انگیزه در جرائم مختلف، متفاوت است و در میان مجرمین از یک جرم، هم انگیزه های متفاوتی وجود دارد، گاه ممکن است نفع شخصی و جمع آوری مال و گاه ممکن است ارضای حس انتقام و خودخواهی و غرور باشد. گاهی نیز ممکن است که

این انگیزه ها ناشی از احساسات انسانی و بشر دوستانه باشد. کسیکه مال و ثروت شخص متمدولی را می رباید تا بین مستمندان تقسیم کند، مادری که برای سیر کردن شکم گرسنه فرزندان خود مرتکب سرقت می شود و یا پزشکی که برای پایان دادن به دردهای بی درمان و لاعلاج بیمار غیرقابل معالجه، او را از قید حیات می رهاند، مسلماً نفع شخصی نداشته و این اعمال را به خاطر حس بشر دوستانه انجام می دهد. اکنون بحث بر سر این است که در این قبیل موارد که هدف و انگیزه مرتکب شرافت مندانه بوده آیا باید مرتکب را مسئول دانست یا خیر؟ و آیا این انگیزه می تواند در عنصر معنوی جرائم و اراده مجرمانه موثر باشد یا خیر؟

دادگاه در هر مورد باید به انگیزه های نیک و بد بزهکار توجه کند و مجرم را در صورتی مستحق مجازات بداند که فعلش از احساسات پلید و منفی مایه می گیرد. قانونگذار جزائی در ایران، انگیزه ارتکاب جرم را علی الاصول در ماهیت فعل مجرمانه بی تاثیر دانسته است. بنابراین منظور نهایی یا هدف نهایی یا انگیزه فاعل در ارتکاب فعل هر چه باشد تاثیری در تصمیم و ارتکاب جرم توسط مرتکب ندارد. در سیستم کیفری ما دادرس ناگزیر است برای تعیین سوء نیت کیفری و میزان آن توجه خود را صرفاً به قصد سوء فاعل معطوف دارد با این همه به نظر عده ای از حقوقدانان، قاعده عدم تاثیر انگیزه در نفس جرم مطلق نیست، آنها می گویند موارد استثنایی وجود دارند که انگیزه در تحقق جرم موثر است.

تعریف انگیزه

در خصوص انگیزه تعاریف متعددی ارائه شده است:

دکتر مرتضی محسنی: کوشش درونی و میل پنهانی که انسان را به سوی عمل خاصی هدایت می نماید.

دیو و واب: نفع یا احساس خاصی که مرتکب را به سوی ارتکاب جرم خاص سوق می دهد.

دکتر عبدالحسین علی آبادی: مقصد نهایی که از طرف فاعل جرم تعقیب می شود.

دکتر مهدی کی نیا: علت غایی یا هدف یا مقصد نهایی مورد نظر فاعل جرم

دکتر محمد باهری: هدفی که در پشت عملی نهفته است.

انگیزه سود و منفعتی است که انسان به خاطر آن رفتاری (عنصر مادی) را انجام دهد

در واقع انگیزه چرائی به فعلیت رساندن عنصر معنوی است.

انگیزه در جرائم عمدی

از تعاملی که بین عنصر معنوی و عنصر مادی وجود دارد کاملاً پیداست که انگیزه تنها در جرائم عمدی متصور است.

انگیزه و تاثیر آن در مسئولیت کیفری

عنصر معنوی هر جرمی معمولاً با انگیزه یا داعی شروع می شود و انگیزه که مجرم را وادار به ارتکاب جرم می کند اساساً تأثیری در مسئولیت کیفری ندارد و به رغم مخالفت هایی که با این ادعا وجود دارد مشهور حقوقدانان آن را از مسلمات حقوق جزا می دانند.

انگیزه و عنصر معنوی

باید توجه داشت که انگیزه جدای از عنصر معنوی است اما از آنجا که عنصر معنوی و انگیزه هردو از یک سنخ بوده و مادی نمی باشند ، یعنی قابل رؤیت و لمس نیستند (tangible) ، ممکن است اختلافاتی درباره مصادیق موجود در قانون به وجود آید و ما را در تفکیک انگیزه از عنصر معنوی با مشکل مواجه سازد.

رابطه انگیزه با جرائم مطلق و جرائم مقید

قانونگذار می تواند در انواع جرائم عنصر انگیزه را بگنجانند اعم از اینکه مطلق باشند یا مقید.

در هر دو نوع جرائم مطلق و جرائم مقید ممکن است انگیزه شرط باشد:

الف- جرائم مطلق بدون دخالت انگیزه.

مثال : جرم موضوع ماده ۵۲۴ ق.م.ا در جعل که می گوید جعل احکام یا امضاء یا مهر یا ... مقام رهبری یا رؤسای قوای سه گانه جرم است .

ماده ۵۲۴ قانون مجازات اسلامی : « هر کس احکام یا امضاء یا مهر یا فرمان یا دستخط مقام رهبری و یا رؤسای سه قوه را به اعتبار مقام آنها جعل کند یا با علم به جعل یا تزویر استعمال نماید به حبس از سه تا پانزده سال محکوم خواهد شد . »

همان طور که ملاحظه می شود تحقق این جرم با هر انگیزه ای صورت پذیرد فرقی ندارد و جرم محقق خواهد بود . پس موضوع این ماده جزو جرائم مطلق است که انگیزه در تحقق آن دخیل نیست.

ب- جرائم مطلق که در آنها انگیزه شرط است.

مثال: جرم موضوع ۴۹۸ ق.م.ا در تشکیل یا اداره جمعیت .

ماده ۴۹۸ قانون مجازات اسلامی : « هرکس با هر مرامی ، دسته ، جمعیت یا شعبه جمعیتی بیش از دو نفر در داخل یا خارج از کشور تحت هر اسم یا عنوانی تشکیل دهد یا اداره نماید که هدف آن برهم زدن امنیت کشور باشد و محارب شناخته نشود به حبس از دو ماه تا ده سال محکوم می شود » .

این جرم مطلق است و به نتیجه ای نیاز ندارد اما انگیزه در آن شرط است و آن برهم زدن امنیت کشور است .

ج- جرائم مقید بدون دخالت انگیزه

مثال : جرم موضوع ماده ۲۰۶ ق.م.ا در قتل . قتل عمد با هر انگیزه ای صورت گیرد تأثیری در وقوع ندارد و جرم محقق شده است .

ماده ۲۰۶ ق. مجازات اسلامی : « قتل در موارد زیر عمدی است : ۰۰۰۰ ب) مواردی که قاتل عمداً کاری را انجام دهد که نوعاً کشنده باشد ، هرچند قصد کشتن شخص را نداشته باشد . ۰۰۰۰ »

د- جرائم مقیدی که در آنها انگیزه شرط است .

مثال: این مورد یعنی جرائم مقید به نتیجه همراه با انگیزه ، از لحاظ عقلی ممکن است . مثلاً اگر قانون گذار بگوید هرکس به انگیزه ارث بردن پدر خود را بکشد به جرم مقید همراه با انگیزه اشاره کرده است .

اما به نظر می رسد مصداق قانونی در ق.م.ا در این مورد وجود ندارد .

انگیزه امری نسبی است

نکته ای که در باید مدنظر قرارداد این است که انگیزه امری نسبی است و امکان این وجود دارد که در پس هر انگیزه ای انگیزه های دیگری نیز وجود داشته باشد .

مثلاً : در ماده ۴۹۸ ق.م.ا که انگیزه برهم زدن امنیت کشور است ،ممکن است شخص انگیزه ای هم از برهم زدن امنیت داشته باشد مانند به دست گرفتن قدرت سیاسی و شاید از به دست گرفتن قدرت هم انگیزه کسب مال یا انگیزه های دیگری داشته باشد.

ماده ۴۹۸ ق.م.ا : « هرکس با هر مرامی ، دسته ، جمعیت یا شعبه جمعیتی بیش از دو نفر در داخل یا خارج از کشور تحت هر اسم یا عنوانی تشکیل دهد یا اداره نماید که هدف آن برهم زدن امنیت کشور باشد و محارب شناخته نشود به حبس از دو ماه تا ده سال محکوم می شود » .

انگیزه وسوء نیت یا قصد مجرمانه

سوء نیت، سوء قصد، عمد و علم در مواد مختلف قانون جزا به یک معنی که شامل قصد مجرمانه بوده به کار رفته است.

سوء نیت یا قصد مجرمانه از دو جزء تشکیل شده است:

یکی علم مرتکب به اینکه فعل یا ترک فعل او مغایر با قانون جزا است و دیگر اینکه مرتکب، خواستار تحقق نتیجه مجرمانه باشد.

بسیاری از دانشمندان قصد مجرمانه را «آگاهی و علم مرتکب به نقض قانون جزا» دانسته اند.

ویدال و مانیول می گویند :«عمد آن است که کسی خواسته و دانسته مرتکب عملی شود برخلاف قانون جزا»

امیل گارسون آن را «معرفت فاعل جرم به نامشروع بودن عمل ارتكابی دانسته است» ولی به نظر می رسد که تعاریف فوق کامل نباشد زیرا در هیچ یک از تعاریف به قصد نتیجه اشاره نشده است و حال آن که علاوه بر آگاهی و یا اراده متهم عامل دیگری به نام قصد نتیجه ضروری است، زیرا در بعضی از موارد از قبیل اجبار یا فورس ماژور، مرتکب آگاهی کامل به نقض قانون جزا دارد، لیکن چون فاقد سوء نیت است لذا مسئول کیفری نیست.

دکتر ایرج گلدوزیان قصد مجرمانه (عمد) را چنین تعریف می کند:

«عمد عبارت است از هدایت اراده انسان به سوی منظوری که انجام یا عدم انجام آن را قانون گذار منع یا امر کرده است»

در بررسی قصد مجرمانه همان طور که از تعاریف فوق بر می آید باید هم به فعل و هم به نتیجه مجرمانه توجه کرد.

در ضمن لازم است ذکر شود در جرائم عمدی، فعل و نتیجه آن هر دو مورد اراده و خواست عامل است. یعنی قصد مجرمانه در جرائم عمدی وجود دارد.

سوء نیت یا قصد مجرمانه دارای درجاتی است:

الف - سوء نیت عام و سوء نیت خاص

ب - سوء نیت ساده و سوء نیت مشدد

ج - سوء نیت جازم (مستقیم) و سوء نیت احتمالی (غیر مستقیم)

د - سوء نیت معین و سوء نیت غیر معین

سوء نیت عام (Dol general) عبارت از اراده آگاه عامل در ارتکاب جرم است، اما این اراده همیشه به تنهایی کافی نیست گاه قانون گذار وجود جرم را منوط به داشتن قصد مشخص و صریحی کرده که فاعل برای تحقق آن کوشیده است، که به آن سوء نیت خاص یا سوء قصد (Dol special) می گویند.

سوء نیت خاص مخصوص جرائم عمدی است.

برای مثال در جرم قتل، صرف ایذاء و آزار عمدی مجنی علیه کفایت نمی کند، بلکه فاعل باید در تحصیل نتیجه خلاف قانون یعنی کشتن او نیز عامد باشد تا بتوان فعل ارتكابی را قتل عمد شناخت. در حالی که در جرم ایراد ضرب و جرح وجود سوء نیت عام در فعل زدن کافی است و لازم نیست مرتکب قصد صدمه زدن داشته باشد تا ضارب شناخته شود.

مسئله قابل توجه آن است که عمد را نباید با انگیزه وداعی اشتباه نمود.

انگیزه عبارت است از کوشش درونی و میل پنهانی که انسان را به سوی عمل خاصی هدایت می نماید و بنابراین همیشه مقدم بر اراده است.

قصد مجرمانه حاکی از اراده ارتکاب در فعل یا ترک فعل و همینطور اراده در کسب نتیجه زائیده ذهن قانون گذار است، بنابراین قصد مجرمانه (اعم از عام و خاص) را باید در قانون جزا جستجو کرد و لذا در هر جرمی، مفهومی واحد یا ثابت دارد. مثلاً سوء نیت عام در کلیه قتل های عمدی ازهاق نفس است.

ولی انگیزه یا داعی، احساس یا نفع یا دفع ضرری است که بزهکار را به طرف ارتکاب جرم می کشاند.

انگیزه زائیده ذهن مجرم است، پس انگیزه را باید درون مجرم جستجو کرد و اغلب به صورت خودآگاه می باشد.

رابطه انگیز با سوء نیت خاص، عموم و خصوص مطلق است.

دکتر اسماعیل عبدالهی: انگیزه با سوء نیت عام و سوء نیت خاص متفاوت می باشد.

تفاوت های انگیزه و سوء نیت

۱- سوء نیت و قصد مجرمانه با جرم رابطه ی بلافصلی دارند؛ اما انگیزه و جرم رابطه دور و با واسطه ای دارند

مثلاً در جرم قتل ، عمل قتل بلافاصله پس از قصد قتل که همان قصد مجرمانه و سوء نیت است محقق می شود، اما هدف قتل که ممکن است حسادت یا انتقام یا انگیزه های دیگری باید ، با عمل قتل رابطه مستقیم ندارند، به گونه ای که به محض حصول این انگیزه ها، عمل قتل نیز رخ می دهد.

۲- اگر قصد مجرمانه وجود نداشته باشد جرم عمدی هم رخ نمی دهد؛ اما فقدان انگیزه خاص خللی در تحقق جرم وارد نمی نماید، البته معنای این سخن آن نیست که جرایم عمدی بدون انگیزه هم قابل تحقق هستند، زیرا هر مجرمی با انگیزه خاصی دست به ارتکاب جرم می زند پس منظور آن است که انگیزه خارج از چارچوب ارکان جرم شکل می گیرد.

۳- قصد مجرمانه در هر جرمی یک چیز بیشتر نیست و همه مجرمان همان قصد را دارند، اما برای ارتکاب یک جرم انگیزه های مختلفی ممکن است وجود داشته باشد.

مثلا در جرم قتل ، همه قاتلان یک قصد بیشتر ندارند که همان قصد نقض قانون جزا و کشتن و خارج کردن روح از بدن دیگری است، اما انگیزه قتل ممکن است در یک جرم حسادت باشد، در یکی عشق باشد، در دیگری به دست آوردن مال باشد و...

۴- از آنجا که وجود یا فقدان قصد مجرمانه در تصمیم دادگاه تاثیر بنیادین دارد، بنابراین دادگاه باید آن را احراز نماید؛ اما احراز انگیزه تکلیف دادگاه نیست مگر در موارد خاص که قانونگذار اهمیت خاصی را برای انگیزه در نظر گرفته باشد.

مثلا در جرم سقط جنین انگیزه حفظ حیات مادر، تاثیر اساسی دارد به گونه ای که اگر این انگیزه احراز شود، مرتکب براءت حاصل می نماید؛ برخلاف قتل شخص بیمار که به فرض وجود انگیزه خیر خواهانه تاثیر در مسولیت قاتل نخواهد داشت.

۵- در جرایم صرفا مادی نیازی به قصد مجرمانه نیست، اما انگیزه مجرمانه ممکن است وجود داشته باشد.

۶- سوء نیت در هر جرمی یک چیز بیشتر نیست که همان اراده آگاهانه نقض قانون جزا می باشد؛ اما در یک جرم ممکن است چند انگیزه متفاوت وجود داشته باشد

مثلا در جرم سقط جنین ، سوء نیت در جرم سقط جنین عبارت است از نابود کردن عمدی جنین با علم به اینکه چنین عملی از نظر قانونی ممنوع است و این قصد در همه مصادیق سقط جنین وجود دارد؛ اما در این جرم ممکن است چند انگیزه وجود داشته باشد، مثلا به پزشکی پیشنهاد می شود که با گرفتن مبلغ گزافی مبادرت به سقط جنینی نماید که از راه نامشروع به وجود آمده است و برای حیات مادر نیز خطر ناک می باشد و پزشک این پیشنهاد را می پذیرد و سه انگیزه در تصمیم او نقش داشته

است: حفظ حیات مادر، به دست آوردن مبلغ زیادی پول و حفظ آبروی کسانی که مرتکب عمل نامشروع شده اند.

۷- سوء نیت و قصد مجرمانه همیشه مذموم و ناپسند است، اما انگیزه را به انگیزه مشروع و پسندیده و انگیزه نامشروع و ناپسند تقسیم می نمایند. البته جهت نامشروع مصادیق احصا شده خاصی ندارد، بلکه به هر جهتی اطلاق می شود که بر خلاف اخلاق حسنه و نظم عمومی جامعه باشد.

شبهات های انگیزه سوء نیت

۱- همان گونه که سوء نیت به تنهایی فرد را قابل تعقیب قرار نمی دهد، صرف انگیزه مجرمانه نیز جرم محسوب نمی شود، بلکه انگیزه باید صاحب خود را به حرکت واداشته و او را وادار به عمل نیز کرده باشد. البته اگر انگیزه مجرمانه منتهی به سوء نیت نشود قابل تعقیب نیست، هر چند اقدامات عملی هم صورت گرفته باشد.

۲- انگیزه نیز هم چون سوء نیت، عاملی معنوی است که در روان انسان نقش می بندد و معمولاً برای تکوین قصد مجرمانه ابتدا، انگیزه و داعی به وجود می آید؛ بدین صورت که ابتدا ارتکاب جرم به ذهن مرتکب خطور می کند و سپس به سنجش نفع و ضرر آن می پردازد و اگر نفع آن را برتر از زیانش دید از مرحله تردید بیرون آمده و تصمیم جدی به ارتکاب جرم می گیرد که معمولاً مرحله اول، یعنی مرحله خطور ارتکاب جرم به ذهن و پدیدار شدن هدفی برای آن را انگیزه می نامند؛ زیرا در این مرحله است که هدف ارتکاب جرم ذهن مرتکب را به خود مشغول می کند مانند اینکه به قصد دارا شدن و مال اندوزی به فکر سرقت یا کلاهبرداری یا خیانت در امانت می افتد یا به قصد شهوت

رانی تصمیم به تجاوز به عنف می گیرد یا به قصد انتقام فکرقتل دیگری به ذهن او خطور می نماید و مرحله آخر نیز که پس از یک دوره تفکر و سنجیدن سود و زیان محقق می شود و عنصر مادی جرم به تبع آن محقق می شود، سوء نیت یا قصد مجرمانه است.

۳- نحوه اثبات انگیزه و سوء نیت یکسان است؛ زیرا اگر تصریح مرتکب وجود نداشته باشد می توان به سراغ قرینه های جنبی و خارجی رفت.

البته باید توجه داشت که اثبات سوء نیت در هر صورت ضروری است اما اثبات انگیزه در مواردی ضرورت دارد که در مسئولیت یا مجازات تاثیر داشته باشد، مثلاً ماده ۲۱۶ ق.م.ا تصریح دارد: «هرکس به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور دیگر به عنف یا تهدید یا حيله یا به هر منظور دیگر شخص یا توسط دیگری شخصی را برای دیا مخفی کند به حبس از پنج تا پانزده سال محکوم خواهد شد» پس هر یک از این انگیزه ها که محرک مرتکب بوده باشد در تصمیم دادگاه تاثیری نخواهد داشت و در نتیجه لزومی ندارد که دادگاه به دنبال کشف انگیزه مرتکب باشد.

انگیزه در جرائم مختلف

انسان در ارتکاب جرم انگیزه خاص و مشخصی دارد. انگیزه در جرائم مختلف، متفاوت است و در میان مجرمین از یک جرم، هم انگیزه های متفاوتی وجود دارد. گاه ممکن است نفع شخصی و جمع آوری مال و گاه ممکن است ارضای حس انتقام و خودخواهی و غرور باشد.

گاهی نیز ممکن است که این انگیزه ها ناشی از احساسات انسانی و بشر دوستانه باشد.

دادگاه در هر مورد باید به انگیزه های نیک و بد بزهکار توجه کند و مجرم را در صورتی مستحق مجازات بداند که فعلش از احساسات پلید و منفی مایه می گیرد.

انگیزه و قانونگذار ایران

قانونگذار جزائی در ایران، انگیزه ارتکاب جرم را علی الاصول در ماهیت فعل مجرمانه بی تاثیر دانسته است. بنابراین منظور نهایی یا هدف نهایی یا انگیزه فاعل در ارتکاب فعل هر چه باشد تاثیری در تصمیم و ارتکاب جرم توسط مرتکب ندارد.

در سیستم کیفری ما دادرس ناگزیر است برای تعیین سوء نیت کیفری و میزان آن توجه خود را صرفا به قصد سوء فاعل معطوف دارد.

گفته شد انگیزه در تشکیل جرم هیچ اثری ندارد، آیا در حقوق جزا به کل اثری دیگر هم نباید بر آن قائل شد؟

درست است که انگیزه در تحقق جرائم تاثیری ندارد ولی از آن جا که چشم پوشی از این عامل هم صحیح نیست خود مقنن در اصلاحات سال ۱۳۵۲ وجود انگیزه شرافت مندانه را یکی از موارد تخفیف مجازات دانسته است.

ماده ۴۵ قانون مجازات عمومی به هنگام احصاء موارد تخفیف مجازات در بند ۳ صراحتا اوضاع و احوال خاصی که متهم تحت تاثیر آنها مرتکب جرم شده است از قبیل رفتار تحریک آمیز مجنی علیه یا وجود انگیزه شرافت مندانه در ارتکاب جرم را از موارد تخفیف مجازات محسوب نموده است.

در قانون مجازات اسلامی قانون گذار به قاضی این اجازه را داده است که بتواند با توجه به علل و جهاتی مانند «انگیزه شرافت مندانه در ارتکاب جرم» (بند ۳ ماده ۲۲ ق.م.ا) میزان مجازات را تخفیف دهد.

توجه قاضی به انگیزه مجرم در تعیین میزان مجازات منحصر به مورد اخیر نیست، در مواردی که قانون گذار مجازات بین حداقل و حداکثر تعیین کرده است، انگیزه ارتکاب جرم ممکن است در شدت یا ضعف مجازات و نهایتاً حکم قاضی تاثیر بگذارد.

تاثیر انگیزه را بر تصمیم قاضی در مواردی که حکم به تعلیق مجازات صادر می کند نیز نمی توان انکار نمود. (ماده ۲۵ ق.م.ا)

قانون گذار با تعبیر عام «اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده است» (بند ب ماده ۲۵ ق.م.ا) به قاضی اجازه داده است که در ضمن توجه به وضع عینی رویداد جنایی و میزان تاثیر عوامل گوناگون در ارتکاب جرم برای تحقق اهداف تاسیس تعلیق مجازات، وضع نفسانی بزهکار را در نظر بگیرد.

ماده ۲۵ ق.م.ا:

((در کلیه محکومیت های تعزیری و بازدارنده حاکم می تواند اجرای تمام یا قسمتی از

مجازات را با رعایت شرایط زیر از دو تا پنج سال معلق نماید:

الف: محکوم علیه سابقه ی محکومیت قطعی به مجازات های زیر نداشته باشد:

۱- محکومیت قطعی به حد

۲- محکومیت قطعی به قطع یا نقص عضو

۳- محکومیت قطعی به مجازات حبس بیش از یک سال در جرایم عمدی

۴- محکومیت قطعی به جزای نقدی به مبلغ بیش از دو میلیون ریال

۵- سابقه ی محکومیت قطعی دوبار یا بیشتر به علت جرم های عمدی با هر میزان مجازات

ب- دادگاه با ملاحظه ی وضع اجتماعی و سوابق زندگی محکوم علیه و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده است اجرای تمام یا قسمتی از مجازات رامناسب نداند.))

انگیزه و نظرات حقوقدانان ایران

دکتر اسماعیل عبدالهی : انگیزه در قصد مجرمانه تاثیری ندارد.

به نظر دکتر محمد علی اردبیلی، قاعده عدم تاثیر انگیزه در نفس جرم مطلق نیست،

موارد استثنایی وجود دارند که انگیزه در تحقق جرم موثر است.

دکتر محمد علی اردبیلی مثالی برای گفته خود ذکر می نمایند:

» به موجب ماده ۱۸ قانون مبارزه با مواد مخدر (مصوب ۱۳۶۷ آبان ۱۳۶۷مجمع

تشخیص مصلحت نظام):

هر گاه محرز شود که شخص با انگیزه و به قصد معتاد کردن دیگری باعث اعتیاد وی به

مواد مخدر، در ماده ۸ شده است برای بار اول به پنج تا ده سال حبس و برای بار دوم تا

ده سال حبس و در صورت تکرار به اعدام محکوم خواهد شد.»

اختلاف شده است که منظور از «... با انگیزه و به قصد معتاد کردن دیگری ...» آیا ناظر

است به انگیزه یا سوء نیت خاص؟

قانون گذار در ماده ۱۸ قانون مبارزه با مواد مخدر انگیزه را در معنای حقیقی خود به کار نبرده و آن را با سوء نیت خاص (سوء قصد) مرادف دانسته است.

انگیزه و شرکت در جرم

در شرکت در جرم ممکن است انگیزه مرتکبان از انجام یک عمل مجرمانه یکسان باشد یا متفاوت.

به طور مثال: ضرب و جرح شخص (ج) توسط شخص (الف) و شخص (ب) در یک زمان انجام شده، ولی انگیزه شخص (الف) انتقام بوده و انگیزه شخص (ب) از ضرب و جرح، کارافتادگی شخص (ج) برای مدتی جهت عدم حضور در مسابقه ی ورزشی که شخص (ب) نیز در آن مسابقه شرکت خواهد نمود بوده است.

انگیزه و معاونت در جرم

در معاونت در جرم ممکن است انگیزه شخص معاون با شخص فاعل عمل مجرمانه یکسان باشد یا متفاوت.

برای تحقق معاونت در جرم وجود وحدت قصد و تقدم و یا اقتران زمانی بین عمل معاون و مباشر جرم شرط است اما وجود انگیزه مشترک شرط نمی باشد.

موارد استثنا شده از اصل عدم تأثیر انگیزه

درمورد تأثیر انگیزه برای تعیین مجازات، دو دیدگاه وجود دارد:

الف- یک دیدگاه که به مکتب مجازات های تخییری مشهور است، آن است که قاضی اختیار کامل دارد از میان مجازات های قانونی بسته به اینکه مجرم دارای انگیزه خوب

یا بد بوده است یکی از مجازات ها را انتخاب کند. قوانین انگلو ساکسون و بسیاری از قوانین موضوعه از این مکتب پیروی کرده اند، که قانون کشورهای انگلستان، ایالات متحده آمریکا، هندو نروژ را می توان از جمله آنها دانست.

ب- دیدگاه دیگر مکتب مجازات های تخییری مقید نام دارد، اختیار قاضی برای انتخاب مجازات را مقید به اموری هم چون شدت و ضعف جرم و انگیزه مجرم دانسته است. مثلاً ماده (۲۰) قانون کیفری آلمان در مواردی که مرتکب دارای انگیزه پست باشد و قانون برای جرم وی مجازات حبس با اعمال شاقه در نظر گرفته باشد به دادگاه اجازه نداده است که یک مجازات را انتخاب کند، بلکه باید مجازات اعمال شاقه را مورد حکم قرار دهد و اگر مجرم دارای انگیزه نیکو باشد فقط باید مجازات حبس را اعمال کند. موارد استثنای تأثیر انگیزه شکل های مختلفی دارد:

گاهی انگیزه به کلی مسئولیت کیفری را زایل می کند، گاهی عنوان مجرمانه را تغییر می دهد، گاهی سبب تخفیف مجازات می شود و گاهی در تشدید مجازات تأثیر دارد. لازم به ذکر است، برخی از مواردی که در عرف حقوقی به عنوان علل موجهه جرم محسوب می شوند یا عناوین خاص دیگری هم چون عذر قانونی پیدا می کنند، در حقیقت مربوط به عنصر قانونی جرم بوده و به عنصر روانی جرم مربوط نمی شوند؛ در حالی که انگیزه یک مسئله روانی است، اما اگر در معنای وسیع تری نگریسته شود انگیزه نیز در این موارد بی تأثیر نیست.

مثلاً شخصی که از خود دفاع مشروع می کند انگیزه ای او را وادار به این دفاع کرده است که همان حفظ جان یا مال خود می باشد. در ادامه به مهم ترین این موارد اشاره می گردد:

تخفیف مجازات

برخی از قوانین کیفری مانند قانون انگلستان و هلند و سودان جهات مخففه را بیان نکرده‌اند؛ زیرا مجازات‌های مقرر در این قوانین دارای حداقل و حداکثر نیست.

مجرمی که با انگیزه شرافت مندانه مرتکب جرم می‌شود مجرم خطرناکی نیست. بنابراین، براساس دیدگاه مکتب تحقیقی چنین مجرمی به کلی فاقد مسئولیت کیفری می‌باشد؛ اما دیدگاه مکتب کلاسیک آن است که این مجرم فقط مسئولیت تخفیف یافته دارد. قانون مجازات اسلامی ایران هم چون بسیاری قوانین موضوعه، دیدگاه دوم را برگزیده است.

ماده (۲۲) ق.م.ا، انگیزه شرافت مندانه را یکی از جهات تخفیف مجازات دانسته است: ((دادگاه می‌تواند در صورت احراز جهات مخففه مجازات تعزیری و یا بازدارنده را تخفیف دهد و یا تبدیل به مجازات از نوع دیگری نماید که مناسب‌تر به حال متهم باشد. جهات مخففه عبارتند از:

۳- اوضاع و احوال خاصی که متهم تحت تأثیر آن‌ها مرتکب جرم شده است از قبیل رفتار و گفتار تحریک‌آمیز مجنی علیه یا وجود انگیزه شرافت مندانه در ارتکاب جرم...)) در این جا برخلاف معاذیر قانونی، دادگاه تکلیفی ندارد که در صورت احراز انگیزه شرافت مندانه در متهم، مجازات وی را تخفیف دهد یا تبدیل به مجازات دیگری کند. منظور از انگیزه شرافت مندانه، انگیزه‌ای است که شرافت انسانی آن را ستایش می‌کند و ارتکاب جرم از روی چنین انگیزه‌ای نشان می‌دهد که مرتکب، مجرم خطرناکی نیست بلکه قابل اصلاح است و استحقاق تخفیف مجازات را دارد.

تعليق مجازات

تعليق مجازات نهادی است که مجرم اتفاقی را متنبه می‌سازد تا بار دیگر به فکر ارتکاب جرم نیفتد و با ارفاقی که جامعه به او می‌نماید در فکر کسب فضیلت و خودسازی باشد. قانونگذار ایران، موادی از قانون مجازات اسلامی را به مقررات این نهاد اختصاص داده است و ماده (۲۵) این قانون یکی از شرایط تعليق مجازات را بدین صورت پیش‌بینی کرده است: «دادگاه با ملاحظه وضع اجتماعی و سوابق زندگی محکوم علیه و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده است اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را مناسب نداند...»

یکی از مصادیق این شرط را می‌توان موردی دانست که مرکب با انگیزه شرافت مندانه، جرمی را انجام داده باشد؛ زیرا یکی از هدف‌های اساسی اعمال مجازات، تنبیه مجرم است و طبیعی است که هرگاه مرتکب، انگیزه پست مادی نداشته باشد با تعقیب محض، متنبه می‌گردد و این لطف و پاداش اجتماعی را پاس می‌دارد. بنابراین، تحمل مجازات نه تنها فایده‌ای ندارد بلکه بدون ضرر هم نیست.

جرم سیاسی

در برخی موارد، انگیزه سبب می‌شود که عنوان مجرمانه تغییر کند؛ یعنی عمل مجرمانه ماهیت جرم بودن را از دست نمی‌دهد، بلکه عنوان مجرمانه تغییر پیدا کرده و به تبع آن مجازات نیز تغییر می‌یابد که اصطلاحاً به آن سیستم مجازات موازی گفته می‌شود، جرم سیاسی مهم‌ترین مصداق این مبحث است.

قانون جرم سیاسی که در تاریخ ۱۳۸۰/۳/۸ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، در این خصوص آورده است: ((فعل یا ترک فعلی که مطابق قوانین موضوعه قابل مجازات است هرگاه به انگیزه سیاسی علیه نظام سیاسی مستقر یا حاکمیت دولت یا مدیریت سیاسی کشور یا مصالح نظام جمهوری اسلامی و یا حقوق سیاسی اجتماعی و فرهنگی شهروندان و آزادی های قانونی ارتکاب یابد جرم سیاسی به شمار می آید...))

به موجب این ماده، انگیزه سیاسی، ماهیت عملی را مجرمانه نمی کند بلکه ماهیت آن را تغییر می دهد و قبل از آنکه شکل سیاسی پیدا کند باید ماهیت مجرمانه داشته باشد. وقتی جرمی ماهیت سیاسی پیدا کرد مرتکب آن از مزایایی بهره مند می شود از جمله اینکه به جرم او در دادگاه علنی و با حضور هیأت منصفه و در مرکز استان رسیدگی می شود، محل حبس او با مجرمان عادی تفاوت دارد، ملزم به پوشیدن لباس زندان نیست و...

طرح جرم سیاسی، عامل ذهنی را ملاک تمیز جرم سیاسی از جرم عادی قرار داده است یعنی نتیجه عمل مرتکب، مورد نظر نیست. بنابراین، اگر شخصی با انگیزه دشمنی شخصی به تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی بپردازد مجرم سیاسی محسوب نمی شود، هرچند عمل او نتیجه و پیامد سیاسی هم به دنبال نداشته باشد.

اضطراب و ضرورت

در مورد مبنای حقوقی ضرورت اختلاف نظر وجود دارد: گروهی آن را بر پایه عامل ذهنی قرار داده اند؛ زیرا شخص مضطر را در حالت اضطراب و ضرورت فاقد اراده کامل می دانند. بنابراین، چنین شخصی نمی تواند در حالت ارتکاب جرم دارای قصد مجرمانه باشد.

گروهی دیگر آن را براساس نظریه عینی تفسیر و توجیه کرده‌اند؛ یعنی صرفاً اجازه قانون است که انجام چنین عملی را مباح می‌سازد. طبیعی است شخص مضطر در حالت اضطرار، راه خود را به کلی از دست نمی‌دهد تا عنصر معنوی را کاملاً منتفی بدانیم و از سوی دیگر، اجازه قانون باید مبنای منطقی داشته باشد و شاید بتوان این مبنا را در انگیزه مرتکب جستجو کرد.

با این توضیح که شخص مضطر با انگیزه جلوگیری از خطر بزرگ‌تر دست به ارتکاب جرم می‌زند و چون این انگیزه پست نمی‌باشد، بنابراین، قانونگذار آن را در مسئولیت مرتکب، مؤثر دانسته است.

مواد مختلفی از قانون مجازات اسلامی، مصادیق اضطرار را به صورت خاص بیان کرده‌اند مانند ماده (۱۶۷) که مقرر می‌دارد: «(هرگاه کسی مضطر شود که برای نجات از مرگ یا جهت درمان بیماری سخت به مقدار ضرورت شراب بخورد محکوم به حد نخواهد شد)» یا ماده (۵۹۱) که آورده است: «(هرگاه ثابت شود که راشی برای حفظ حقوق حقه خود ناچار از دادن وجه یا مالی بوده تعقیب کیفری ندارد و وجه یا مالی که داده به او مسترد می‌گردد)».

دفاع مشروع

ماده (۶۱) قانون مجازات اسلامی، دفاع مشروع را به عنوان یکی از علل موجهه جرم بیان کرده است و مواد (۶۲۵) تا (۶۲۹) همان قانون نیز احکام دفاع مشروع را بیان کرده‌اند. ماده (۶۱) مقرر می‌دارد: «هرکس در مقام دفاع از نفس یا عرض و یا ناموس و یا مال خود یا دیگری و یا آزادی تن خود یا دیگری در برابر هرگونه تجاوز فعلی و یا خطر قریب

الوقوع عملی انجام دهد که جرم باشد در صورت اجتماع شرایط زیر قابل تعقیب و مجازات نخواهد بود: ۱- دفاع با تجاوز و خطر مناسب باشد. ۲- عمل ارتكابی بیش از حد لازم نباشد. ۳- توسل به قوای دولتی بدون فوت وقت عملاً ممکن نباشد و یا مداخله قوای مذکور در رفع تجاوز و خطر مؤثر واقع نشود....»

درمورد مبنای حقوقی دفاع مشروع اختلاف نظر وجود دارد: گروهی اعمال حق طبیعی را مبنای دفاع مشروع می‌دانند. گروهی دفاع مشروع را مبتنی بر اجبار و برخی دیگر آن را بر نظریه اجرای عدالت مبتنی ساخته‌اند و عده‌ای هم دفاع مشروع را یک وظیفه اجتماعی می‌دانند.

اما آنچه که در اینجا قابل تأمل است این‌که هریک از این مبانی را که بپذیریم باید بدین نکته اعتراف کنیم که دفاع‌کننده برای دفاع از خود انگیزه‌ای دارد و آن، دفاع از جان یا مال یا آزادی است که انگیزه شرافت‌مندانه‌ای است؛ زیرا هیچ‌کس چنین شخصی را مذمت نمی‌کند. پس مبنای حقوقی دفاع مشروع در حقیقت به عامل انگیزه برمی‌گردد؛ یعنی مرتکب با انگیزه اجرای عدالت یا اعمال حق طبیعی یا وظیفه اجتماعی، اقدام به دفاع از خود کرده است.

بنابراین، دفاع مشروع را می‌توان یکی از مصادیق انگیزه دانست که قانونگذار آن را استثنائاً از علل سلب مسئولیت دانسته است.

اطاعت از امر قانون

ماده (۵۶) و (۵۷) قانون مجازات اسلامی، امر آمر قانونی را از علل موجهه جرم قرار داده است که این موضوع را نیز می‌توان از مصادیق انگیزه دانست؛ زیرا مأمور وقتی به دستور

قانونی آمر قانونی جرمی را مرتکب می‌شود با انگیزه خاصی این کار را می‌کند و آن، انگیزه اطاعت از دستور مافوق می‌باشد که قانونگذار این انگیزه را رافع مسئولیت دانسته است.

نتیجه

الف- انگیزه و قصد مجرمانه (سوء نیت عام) از این جهت که عنصر معنوی می‌باشند شبیه یکدیگر هستند، اما تفاوت اساسی با هم دارند؛ زیرا یکی از آنها رکن جرم است و دیگری خارج از ارکان جرم می‌باشد و در مقام رسیدگی به جرایم باید دقت فراوان مبذول داشت تا انگیزه ارتکاب جرم با قصد مجرمانه اشتباه نشود.

ب- از دیدگاه حقوقی اصل بر آن است که انگیزه، هیچ تأثیری در مسئولیت کیفری و عنوان مجرمانه و مجازات نداشته باشد مگر در مواردی که قانون استثنا کرده باشد؛ اما از دیدگاه جرم‌شناسی، انگیزه تأثیر زیادی در مسئولیت کیفری دارد و حتی انگیزه شرافت مندان، قصد مجرمانه را زایل می‌نماید.

ج- سیستم حقوقی اسلام، قواعد عمومی مربوط به انگیزه را فقط در مورد جرایم مستوجب تعزیر برقرار می‌داند و در جرایم دیگر باید به مقررات تصریح شده شرعی عمل کرد

د- بسیاری از قواعدی که در حقوق موضوعه کیفری با عناوین خاصی همچون عذر قانونی، دفاع مشروع، اضطرار، اطاعت از امر آمر قانونی و... شناخته می‌شوند در حقیقت به مسئله انگیزه مربوط می‌شوند.

ه- در بسیاری از مواد قانونی که قصد خاصی برای تحقق جرم پیش‌بینی شده است، درحقیقت مصادیقی از انگیزه هستند، هرچند ممکن است با نام سوء نیت خاص یا نام دیگری از آن‌ها یاد شود.

و- رابطه میان انگیزه سوء و سوء نیت خاص را می‌توان رابطه عموم و خصوص مطلق دانست. با این توضیح که هرگاه انگیزه مجرمانه خاصی را قانونگذار جزء ارکان جرم قرار داده باشد، سوء نیت خاص تلقی می‌شود.

انگیزه شرافت‌مندانه و انگیزه‌ای که جزء ارکان جرم نیست با سوء نیت رابطه‌ای ندارند.

منابع

- ۱- اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، نشر میزان، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۲۴۰
- ۲- باهری، محمد، حقوق جزای عمومی، انتشارات علمی، ص ۲۷۰
- ۳- محسنی، مرتضی، حقوق جزای عمومی، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۲۱۳
- ۴- علی آبادی، عبدالحسین، حقوق جنایی، انتشارات فردوسی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۶۰
- ۵- کی‌نیا؛ مهدی، مبانی جرم‌شناسی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۸۰
- ۶- Oxford dictionary of law
- ۷- زراعت، عباس، انگیزه و تاثیر آن در مسوولیت کیفری، قسمت اول، مجله دادرسی، ش ۴۶، مهر و آبان ۱۳۸۳
- ۸- عبدالهی، اسماعیل، تقریرات درس حقوق جزای عمومی، مقطع کارشناسی ارشد، دانشکده ی تحصیلات تکمیلی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱

۹- مصلحی، مهرداد، فرهنگ حقوقی فارسی - انگلیسی، انتشارات قلم، ۱۳۸۴

۱۰- زراعت، عباس، انگیزه و تاثیر آن در مسولیت مدنی، قسمت پایانی، مجله

دادرسی، سال هشتم، ش ۴۸، بهمن و اسفند ۱۳۸۳